

تأثیر معماری نیکولای مارکوف بر هویت شهر تهران^۱

* جواد ایرجی

E-mail: Jav.Eiraji@iauctb.ac.ir

** ویدا نوروز برازجانی

E-mail: Vid.Norouz_Borazjani@iauctb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۲۴

چکیده

دوره پهلوی از طرفی به مظاهر مدرنی که در غرب در حال اتفاق افتادن بود علاقه‌مند بود و از طرفی دولت تمایل به توسعه علاقه‌مندی‌های ملی‌گرایی در کشور داشت و از طرف دیگر نیز مردم علاقه‌مند به ترک سنت‌های خود نبودند. چگونگی تأثیر کارهای معماران خارجی دعوت شده به ایران توسط دولت در این دوره بر هویت معماری معاصر ایران سؤال اصلی این تحقیق است. در این مقاله ابتدا گذری بر جریان ملی‌گرایی، مدرنیته و نیز تأثیر آن بر معماری که در این دوره اتفاق افتاد خواهیم داشت و در ادامه نیز تأثیر معماری و معماران غربی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. با توجه به این‌که نیکولای مارکوف بناهای متعددی را در این دوره طراحی کرده و نیز در مدیریت عناصر سنت، مدرنیته و ملی‌گرایی در معماری به‌عنوان یک معمار خارجی تأثیرگذار بوده، معماری و کارهای وی به‌عنوان نمونه موردی در این پژوهش انتخاب شده است. این پژوهش از نوع کیفی - توصیفی بوده و از نظر نتیجه پژوهش کاربردی و منطق پژوهش نیز استنتاجی - قیاسی است. روش تحقیق در این پژوهش میدانی - کتابخانه‌ای است. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که مارکوف با در نظر گرفتن بسترها و زمینه‌های موجود در جامعه و مطالعه نیازها، کمبودها، خواسته‌ها و الزامات جامعه در راستای نیل به تجددگرایی توانست تأثیر بسزایی بر انتقال سنت به مدرنیته در معماری دوره پهلوی اول داشته باشد.

کلید واژه‌ها: هویت، مدرنیته، معماری معاصر، نیکولای مارکوف، پهلوی اول.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «جایگاه معنا در معماری معاصر (نمونه موردی: معماری معاصر ایران ۹۴-۱۳۵۷)» از دانشگاه معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در حال انجام می‌باشد.

* دانشجوی دوره دکتری معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

** دانشیار و عضو هیأت‌علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، نویسنده مسؤول



مقدمه و طرح مسأله

مدرنیسم نوعی تفکر است که تلاش می‌کند جدید را جایگزین کهنه کند؛ بنابراین مدرنیسم نوعی ایدئولوژی محسوب می‌شود، اما مدرنیته حالتی است که در تفکر و دنیای بیرون اتفاق می‌افتد. مدرنیته جریانی است که برای به تعادل رساندن سنت با مبانی علم، فن‌آوری و تمدن روز تلاش می‌کند و از طرفی دیگر گیدن معتقد است که مبانی سنت نباید از مبانی جریان مدرن‌گرایی جدا شود و باید یک ارتباط درونی با مدرنیته داشته باشد (گیدنز، ۲۰۱۱: ۲۳).

بسیاری از نظریه‌پردازان در مورد این نکته باهم توافق دارند که مدرنیته یعنی منش شیوه زندگی امروزی و جدید که به‌جای منش کهن زیستن نشسته و آن را نفی کرده باشد (احمدی، ۱۳۸۰: ۳) اساس مدرنیته تحول نگاه انسان به جهان و به‌خصوص به خودش است و تعریف تازه‌ای است که از خود و جایگاه خود در نظام عالم می‌کند (آشوری، ۱۳۷۵: ۳۹). مدرنیته دو وجه اصلی دارد: یکی وجه ابزاری و تکنولوژیک آن است و دیگری وجه اندیشه انتقادی آن؛ عقل ابزاری با تسلط عقلانی و علمی - تکنولوژیک بر جهان شکل می‌گیرد و عقل انتقادی در خودمختاری و خود آیینی و آزادی فزاینده سوژه تجلی می‌یابد (جهانبگلو، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

در حقیقت برخورد ایران با مدرنیته را می‌توان در تغییر فنون، عادات و نموها یا پدیده‌هایی مشاهده کرد که سرمنشأ جهش‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در درون جامعه ایران بوده‌اند. هنر و معماری نیز همواره از مبانی زیبایی‌شناسی دوران خود تغذیه می‌شوند و این مبانی از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و بنیادهای اندیشه‌ای استخراج می‌شوند. در زمینه معماری نیز، معماری جدید از دو راه به ایران وارد شد. ابتدا از راه کپی‌برداری از آثار خارجی توسط کسانی که در دوره قاجار به فرنگ رفتند و دوم با ساخت بناهایی است که مستقیماً توسط خود معماران و مهندسان خارجی در دوره پهلوی اول و در مرحله بعد توسط معماران و مهندسان ایرانی که در خارج ایران تحصیل کرده بودند، ساخته شده است.

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت، مطالعه شیوه دوم و نحوه تأثیر معماری معماران خارجی در دوره پهلوی اول است. تجلی کالبدی مدرنیته در معماری این دوره از سه بعد تأثیرات شکلی و زیباشناختی، تأثیرات عملکردی و حضور کاربری‌های جدید و تأثیرات تکنولوژیک و روش‌های ساخت‌وساز قابل بررسی است. اگرچه ایران دوره پهلوی در چندگانگی و شک بین سنت و مدرنیته و ملی‌گرایی

قرار داشت، ولی در این دوره دولت توانست با دعوت از معماران خارجی و نیز معماران ایرانی تحصیل کرده در غرب، در معماری جدید کشور تأثیر بسزایی بگذارد؛ بنابراین، قبل از مطالعه سبک‌های معماری و نیز تأثیر معماران خارجی، به ویژه نمونه موردی این پژوهش «معماری نیکولای مارکوف»، گذری بر دوره پهلوی اول و نیز فاکتورهای مهم این دوره خواهیم داشت.

سؤال تحقیق

تأثیر کارهای معماران خارجی و به طور خاص نیکولای مارکوف بر هویت معماری معاصر ایران چگونه است؟

روش تحقیق

با توجه به نیاز به مطالعه اسناد و مدارک مربوطه و همچنین حضور در سایت نمونه‌های موردی انتخاب‌شده، روش تحقیق در این پژوهش میدانی - کتابخانه ای است.

پیشینه تحقیق

سیدحسین بحرینی در کتاب «تجدد، فرا تجدد و پس‌از آن در شهرسازی» (۱۳۹۴) مقدمات و مبانی نظری تجدد و مدرنیته را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است و سپس با بررسی تأثیر آن در دوره بعد، نتیجه این تأثیرات را در شهرسازی مورد مطالعه قرار داده است. حسن دولتی و فرشیده ضامنی در مقاله «تبیین رابطه هویت ملی و پاسخگویی به تهاجم فرهنگی دشمن» و نیز حمداله محمدی در مقاله «تاملی بر چالش‌های تربیت مبتنی بر هویت ایرانی - اسلامی در مواجهه با فرهنگ مصرف‌گرا و نولیبرالیسم» که در شماره‌های ۶۸ و ۶۱ فصلنامه مطالعات ملی به چاپ رسیده‌اند، به بحث مبانی هویت ملی از دیدگاه‌های فرهنگی پرداخته‌اند.

داریوش آشوری در کتاب‌های «سنت، مدرنیته و پست‌مدرنیته» و نیز «ما و مدرنیته» (۱۳۷۵) و هم‌چنین بابک احمدی در کتاب «مدرنیته و اندیشه انتقادی» (۱۳۸۵) در ارتباط با مبانی اندیشه مدرنیته و هویت در جامعه معاصر ایران بحث کرده‌اند و این‌که این عوامل چگونه توانستند به جامعه در راستای نیل به تجددگرایی کمک کنند. هم‌چنین رامین جهاننگلو و حسینعلی نوذری در کتاب‌های «موج چهارم» و «مدرنیته و مدرنیسم» (۱۳۸۲) به جزئیات بیشتری راجع به این موضوع و نیز تأثیرات آن در ابعاد



متفاوت پرداخته‌اند. مقاله‌های «معنای هویت و معماری معاصر ایران» در مجله آینه خیال و نیز «جهانی شدن و هویت فرهنگی» که در شماره ۱۹ مجله پژوهش به چاپ رسیده است، به بحث در رابطه به موضوع هویت و تأثیرات آن در بسترهای فرهنگی جامعه پرداخته‌اند. هم‌چنین مجتبی مقصودی و سیمین حاجی‌پور در مقاله «تحلیل توسعه سیاسی در ایران از منظر الگوی هویتی» که در شماره ۶۸ مجله مطالعات ملی به چاپ رسیده است به ابعاد مختلف هویت در گذر زمان و تأثیر آن در محیط و بافت جامعه پرداخته‌اند. از جمله منابع دیگری که در حیطه معماری معاصر ایران در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است می‌توان به مقاله آقای عیسی حجت تحت عنوان «تفکری بر رابطه هویت و معماری» در شماره ۲۴ مجله هنرهای زیبا و نیز کتاب دکتر علی‌اکبر صارمی تحت عنوان «مدرنیته و تأثیر آن بر طراحی معماری و شهرسازی ایران» اشاره کرد. در این پژوهش‌ها تأثیر تجددگرایی بر معماری به صورت تخصصی تر مورد مطالعه قرار گرفته است.

سال انجام تحقیق

این مقاله برگرفته از رساله دکتری مؤلف تحت عنوان «جایگاه معنا در معماری معاصر» است که برای نیل به اهداف این رساله، تحقیقاتی در حوزه هویت طی سال ۱۳۹۵ انجام شده که ماحصل آن در قالب این مقاله تقدیم می‌شود.

چارچوب نظری یا مفهومی تحقیق

هویت تمایزی از یک شخصیت است که می‌تواند تفاوت‌های بین چند فاکتور را مشخص کند و زمانی که ما در رابطه با هویت صحبت می‌کنیم، نوع آن نیز باید مشخص شود. هر چیزی باید هویت جامع خود را دارا باشد. اگرچه تجارب و پیش‌زمینه‌های یک فاکتور بسیار مهم است، ولی هویت جامع یک بنا باید برای هر فردی قابل تشخیص و شناسایی باشد.

به نظر می‌رسد در دوره پهلوی اول با دعوت از معماران خارجی، تفکرات، نظریه‌ها و روش‌های کاری این معماران تأثیر به‌سزایی در روند مدرنیته و هویت در معماری معاصر ایران داشته است.

در راستای بررسی این فرضیه، مفاهیم سنت، مدرنیته، هویت و تأثیر این عوامل در معماری براساس روند کارهای معماران خارجی مدعو در کشور در دوره پهلوی اول مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و مدل نظری این تحقیق نیز، براساس روش این پژوهش که

به صورت میدانی - کتابخانه‌ای است، مقایسه‌ای تطبیقی بین تأثیرات الحاقی، شکلی و معنایی سنت و مدرنیته در قالب معماری است و با بررسی این عوامل در نمونه‌های موردی، پژوهش شکل گرفته است. پس از بررسی در نمونه‌های موردی مذکور مشخص خواهد شد معماران خارجی بیشتر در کدام یک از زمینه‌های ذکر شده تأثیرگذار بوده‌اند.

مبانی نظری

دوره پهلوی اول: مدرنیته، هویت ملی، جهانی‌شدن و بحران هویت

در دوره پهلوی اول، ایران پس از گذر از دوره قاجار و تقلیدهای کورکورانه در تمامی جوانب، اکنون به جای ترسیم و اجرای ناآگاهانه معماری فرنگ براساس گفته‌های افراد فرنگ‌رفته و یا تصاویری که آن‌ها آورده‌اند، خود معمار فرنگی را به مملکت آورده و سعی در استفاده کردن و بهره بردن از سواد مدرن آن‌ها در معماری نوین ایران داشته است. معماری که با یک نوع برخورد باستان‌گرایی ملی همراه بود. این معماری ملی‌گرا را می‌توان در سه گرایش زیر بررسی کرد:

۱- معماری ملی‌گرا با گرایش به معماری مدرن غرب

۲- معماری ملی‌گرا با گرایش به معماری پس از اسلام

۳- معماری ملی‌گرا با گرایش به معماری پیش از اسلام

لذا مطالعه آثار معماران خارجی تأثیرگذار در این دوره، من جمله نیکولای مارکوف و روند تأثیر معماری آن‌ها بر هر یک از این گرایش‌ها ضروری به نظر رسیده و این امر می‌تواند روند مدرنیته را در معماری دوره مذکور آشکارتر سازد.

پهلوی اول: نوسازی و مدرنیزاسیون پهلوی ایران جدید

سلطنت دوره پهلوی شامل دو دوره اصلی است. دوره اول (۱۳۰۸-۱۲۹۸) که دوره تغییر حکومت از قاجار به پهلوی است. در این دوره، دولت برنامه‌های نوسازی خود را آغاز کرد. در دوره دوم (۱۳۱۹-۱۳۱۱) که به دوره «رژیم تک فردی» شهرت دارد، برنامه‌های برنامه‌ریزی شده عمرانی و اقتصادی به مرحله اجرا رسید. در حقیقت سال ۱۳۰۳ را باید سال آغاز مدرنیزاسیون در ایران جدید دانست. مدرنیسم در این دوره دارای دو اصل پایه است. اولین اصل انکار سنت‌های ایرانی و دیگری نیز تمایل به گسترش توسعه‌های شهری است. در حقیقت از جنبه ایدئولوژیکی، رضاشاه و سیستم دولت وی، سعی به استفاده کردن از تفکرات قبل از اسلام و فعال‌سازی احساسات ملی‌گرایی و کاهش تأثیرات مذهبی در جامعه را داشت (همایون کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۷۳).



زمان، نیازها و هویت ملی دولتی در دوره پهلوی اول

بعد از ورود مدرنیته به ایران در دوره پهلوی اول، معماری مربوطه دچار یک چندگانگی شد. از طرفی به معماری مدرن غرب علاقه‌مند بود و از طرف دیگر سنت‌ها و معماری گذشته خود را از دست می‌داد و به همین دلیل بحران هویت و هویت ملی مورد بحث قرار گرفتند.

در رابطه با معماری گذشته ایران جریان سنتی آن تا دوره قاجار حفظ شده بود. تا این زمان در رابطه با اهمیت هویت هیچ‌گونه بحث جدی انجام نپذیرفته بود، چون هیچ‌گونه شکی در آن نبود و بحث هویت زمانی مطرح می‌شود که با سؤال مواجه شده و یا به مرحله بحران برسد. بعد از این دوره و با وارد شدن مدرنیزاسیون غرب به کشور معنا و هویت معماری گذشته ایران مورد سؤال قرار گرفت (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۵).

این بحث با دعوت معماران خارجی و نیز معماران ایرانی که در مدارس معماری غرب تحصیل کرده بودند به کشور، توسط دولت که به معماری مدرن غرب علاقه‌مند شده بود، رنگ بیشتری به خود گرفت. ساختمان‌هایی که طی این دوره طراحی شدند با این‌که ظاهری ایرانی و ملی داشتند ولی بحران هویت بین هویت گذشته‌ای که به تازگی شروع به بحث راجع آن شده بود و نیز معماری غربی که تلاش می‌شد توسط معماران مذکور آورده شود شروع به دیده شدن کرد (صارمی، ۱۳۷۴: ۱۸).

معماری آمرانه پهلوی: تعلق و انتقال از سنت به مدرنیته

در دوره پهلوی اول دولت تلاش کرد که جامعه‌ای شبه مدرن که بیشتر قالبی آمرانه را که شامل سه عامل اصلی بود، به وجود آورد: لائیسزم، ملی‌گرایی کلاسیک و مدرنیسم. قبل از آنالیز معماری دوره پهلوی اول، گذری مختصر بر سه سبک رایج معماری مربوطه و ویژگی‌های آن‌ها خواهیم داشت (جدول شماره ۱).

ویژگی‌ها	ادامه معماری دوره قاجار متأخر	سبک‌های رایج معماری دوره پهلوی اول
تقلید کورکورانه از معماری غرب بدون داشتن هیچ‌گونه پیش‌زمینه - تغییراتی اندک در مصالح و تکنیک‌های ساخت	معماری مدرن اولیه	
این سبک همان معماری است که توسط معماران خارجی و معماران ایرانی تحصیل کرده در غرب به کشور آورده شد - توجه به مبانی مدرنیته	معماری ملی-معماری نئوکلاسیک اروپایی و تزئینات باستانی	

جدول شماره ۱: سبک‌های رایج معماری دوره پهلوی اول (منبع: نگارنده)

در رابطه با معماری، معماری حاکم استانداردهای معماری مدرن معرفی شده را نداشت و بحث «سنت و مدرنیته» کنکاش اصلی معماری ایرانی شد (بانی مسعود، ۱۳۹۱: ۹۳). وارطان هوانسیان، یکی از معماران مشهور دوره پهلوی، در دو مقاله معروف خود «مشکلات معماری ایران» و «معماری ایران: سبک ملی و جدید»، به این مشکل و قرارگیری معماری ایرانی و معماری مدرن در کنار یکدیگر اشاره می‌کند. وی معتقد است که ما نباید تعصبی نسبت به گذشته و سنت‌ها داشته باشیم و باید حال و آینده را ببینیم و این امر نباید افراطی باشد (هوانسیان، ۱۳۵۱: ۳۳).

همان‌طور که ذکر شد معماران خارجی بعد از ورود به ایران تأثیراتی داشته‌اند که غیرقابل انکار است. یکی از این معماران خارجی که گام‌های مؤثری در این راستا برداشت و نیز تأثیر بسزایی داشت نیکولای مارکوف بود که کارهای معماری وی به‌عنوان نمونه موردی این پژوهش انتخاب شده است و می‌توان انتقال سنت به مدرنیته را در این کارها بررسی کرد.

نیکولای مارکوف: هویت و انتقال از سنت به مدرنیته

در سال‌های اول ورود مدرنیته به ایران، چالش بسیار بزرگی بین تعقیب‌کنندگان سبک مدرن و سبک ملی وجود داشت. گروه اول معتقد بودند که معماری باید ساده، بدون تأثیر و عاری از تزئینات و منابع تاریخی باشد ولی گروه دوم دقیقاً تعقیب‌کننده تزئینات و منابع تاریخی بودند. در یک چنین حالت دوراهی سبک «آرت دکو» تنها سبکی بود که حد تعادل این دو گروه را شامل جدید و قدیم در کنار یکدیگر در خود داشت و این دلیل اصلی انتخاب این سبک توسط نیکولای مارکوف در طرح‌های معماری‌اش بود. از سوی دیگر چون تجربه مدرنیته وی زاده کشورهای اروپای مرکزی مانند آلمان، ایتالیا، فرانسه و امریکا بود، وی مجبور بود محتاطانه وارد شود. هم‌چنین از آنجا که تجربه کاری وی در کشورهای در حال توسعه شکل می‌گرفت، این سبک می‌توانست شیوه‌ای برای سرزمینی باشد که با غرب متفاوت بود. آرت دکو به عناصر معماری مدرن این فرصت را می‌داد که در کنار عناصر سنتی نقش‌نمایی کرده و سبکی با انتخاب آزاد برای فرهنگ‌های متفاوت فراهم آورد. نیکولای مارکوف ضمن داشتن تفکر مدرن به روش‌های معماری سنتی نیز علاقه‌مند بود و استفاده از مصالح بومی و نیز عناصر باستانی را در برنامه‌های طراحی خود در نظر می‌گرفت. در اکثر بناهای طراحی شده توسط نیکولای مهم‌ترین عنصر، کاربرد فن‌آوری‌های جدید و مصالح سنتی نظیر آجر،

کاشی و دیوارهای باربر در کنار یکدیگر است (تصویر شماره ۱).



تصویر شماره ۱: تفکر مدرن و مصالح و فن آوری سنتی در طراحی دبیرستان البرز، تهران - نیکولای مارکوف (منبع: نگارنده)

همان‌طور که ذکر شد با این که در دوره وی کاربرد فن آوری‌های جدید بیشتر رواج پیدا کرده بود ولی وی در سبک خود تلاش کرد که ترکیبی از فن آوری سنتی و جدید را مورد استفاده قرار دهد. به‌عنوان مثال، وی قوس سنتی ایرانی را با روش‌هایی مدرن می‌ساخت و یا تجارب سنتی معماری ایرانی را با مصالح معماری مدرن نظیر آهن و فلز مورد استفاده قرار می‌داد.

نیکولای مارکوف از جمله معمارانی بود که توانست در کاربرد و مدیریت ترکیب هارمونی و تناسب معماری صفوی با معماری باستانی و نیازهای یک طراحی مدرن ارتباط خوبی در معماری برقرار سازد. از نظر فرم، حجم بنا و ترکیب‌بندی عناصر معماری با عناصر جدیدی روبرویم و در عین حال شاهد به کارگیری تزئینات، طاق‌های ایرانی و مصالح سنتی در بنای ساختمان هستیم. علاقه وی به ایران و معماری ایرانی و هم‌چنین تمایلش به معماری آرت دکو و ارتباط آن با جریان‌های بین‌المللی غرب باعث رشد و توسعه سبک وی در معماری ایران شد (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: معماری صفوی اسلامی و معماری مدرن غرب (منبع: نگارنده)

در یکی از مشهورترین پروژه‌های وی «دبیرستان البرز»، وی تلاش کرده که معماری نئوکلاسیک اروپا را که یکی از مشهورترین سبک‌های معماری مدرن محسوب می‌شد،

در کنار معماری اسلامی - ایرانی بکار برد. این بنا ظاهری اسلامی و سنتی داشته ولی در حقیقت کاربرد مدرن و عملکردی را داراست. تمام سیستم‌های موجود در ساختمان تعریف شده‌اند. ارتباطات عمودی و افقی ساختمان و نیز همه قسمت‌های مرکزی ساختمان مشخص بوده و این‌ها تماماً چیزهایی هستند که یک ساختمان مدرن نیازمند آن است. ستون‌های بنا دارای سبکی اروپایی اما سرستون‌ها کاملاً ایرانی هستند (تصویر شماره ۳).



تصویر شماره ۳: دبیرستان البرز، تلفیق معماری نئوکلاسیک غرب و معماری سنتی ایرانی (منبع: نگارنده)

با کاربرد ویژگی‌های معماری اسلامی و صفوی، نیکولای مارکوف توانست ساختمان‌هایی را طراحی کند که دارای شخصیت مستقل بودند. وی بناهای دیگری چون دبیرستان انوشیروان دادگر، مجموعه ورزشی امجدیه (شهید شیروودی)، کارخانه قند ورامین و چندین بنای دیگر را طراحی کرد. در بنای «ساختمان سینگر» که یکی دیگر از ساختمان‌های طراحی شده توسط وی است، المان‌های تاریخی اروپایی را می‌توان مشاهده کرد. این بنا را می‌توان در رده‌بندی سبک آرت دکو بین‌الملل قرار داد و می‌توان آن را در هر جای دنیا به‌عنوان نمادی از این سبک بین‌المللی شناخت (صفامنش، ۱۳۹۰: ۲۱). وقار، تناسب، تعادل، توازن، تکرار، ریتم و هندسه از ویژگی‌های مهم معماری مارکوف محسوب می‌شوند در این بنا نیز انتخاب مصالح و تناسبات معماری نما و پلان مجموعه براساس کاربری بنا و نیز همسایگی و همجواری با سایت این پروژه تعریف شده‌اند که نشانگر ارتباط این بنا با فضای بیرون خود است (تصویر شماره ۴).



تصویر شماره ۴: ساختمان سینگر، نیکولای مارکوف (منبع: نگارنده)

در پروژه دبیرستان انوشیروان دادگر، وی تلاش کرده است که سبب‌های معماری باستانی ایران را در طرح‌ها استفاده کند و ملی‌گرایی در این بنا بیشتر دیده می‌شود ولی همانند پروژه‌های دیگر در این پروژه نیز وی تلاش کرده است که ترکیب سنت و مدرنیته را در کنار یکدیگر مدیریت کند استفاده از تناسبات خاص، ستون‌های ورودی بنا، نقوش و تزئینات معماری قبل از اسلام و نیز ترکیب مصالح و رنگ‌های سنتی با انواع امروزی آن از دیگر ویژگی‌های معماری این بنا محسوب می‌شوند. در حقیقت در این بنا شاهد حفظ ویژگی‌های ظاهری و معنوی معماری سنتی ایران هستیم و همزمان امروزی بودن نیز در بنا حس می‌شود (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۵: دبیرستان انوشیروان دادگر، نیکولای مارکوف، تلفیق معماری مدرن و معماری باستانی ایرانی (منبع: نگارنده)

یافته‌های تحقیق

همان‌طور که بیان شد در دوره مذکور، سبک‌های سنت‌گرایی، مدرن‌گرایی و ملی‌گرایی در معماری رواج داشت. وجوه تمایز این سبک‌ها به ترتیب توجه به عناصر شکلی و معنایی معماری سنتی و اسلامی ایران، توجه به عناصر ظاهری مدرن‌گرایی و الهام و استفاده از موتیف‌ها و نشان‌های معماری ایران در دوره قبل از اسلام است. معماری درون‌گرایی که در دوره‌های قبل به آن توجه بیشتری می‌شد اکنون در تلاش است با محیط اطراف و سایت و همسایگی‌های اطراف در ارتباط باشد و به عبارتی سعی به برون‌گرایی دارد.

به‌طورکلی، از آنجایی که وارد شدن نیکولای مارکوف به صحنه معماری کشور مصادف شد با چالش و چندگانگی بین مدرنیته، ملی‌گرایی و معماری سنتی، معماری نیکولای مارکوف توانست تأثیری بر معماری این دوره داشته و هر سه جنبه مذکور را به‌طور نسبی ارضا کند. وی با اندیشه‌ای مدرن به ایران آمد و از طرف دیگر مأموریت وی توسعه معماری ملی بود و مردم نیز معماری سنتی را پذیرا بودند، بنابراین نیازمند

یافتن روشی بود برای تلفیق این سه مورد و بسته به نوع کاربرد پروژه، میزان هر یک از این سه مورد در هر پروژه می‌توانست متغیر باشد.

در معماری معاصر ایران، بعد از دوره پهلوی اول، نیز میل به استفاده از عناصر شکلی و معنایی سنتی و جدید در کنار یکدیگر همیشه وجود داشته است و معماران معاصر ایرانی همیشه علاقه‌مند به ترکیب سنت و تجدد در قالب معماری بوده‌اند. سبکی که مارکوف در معماری خود به وجود آورد، ترکیبی از سه شیوه سنت‌گرایی، مدرن‌گرایی و ملی‌گرایی بود و تأثیرگذاری این سبک نیز بیشتر در رعایت تعادل در کاربرد هر یک از این شیوه‌ها بسته به بستر، موضوع، کاربری و نیازهای پروژه بوده است (جدول شماره ۲).

تصویر	نمونه موردی / کاربری	سبک
	دبیرستان البرز / آموزشی	معماری مدرن (نئوکلاسیک) + معماری سنتی اسلامی
	دبیرستان انوشیروان دادگر / آموزشی	معماری مدرن + معماری باستانی قبل از اسلام ایران
	ساختمان سینگر / اداری	معماری مدرن + معماری ایرانی

جدول شماره ۲: سبک‌های معماری نیکولای مارکوف (منبع: نگارنده)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با مطالعه کارهای معماری نیکولای مارکوف که یکی از تأثیرگذارترین معماران دوره مذکور بود، این نتیجه حاصل شد که مارکوف با در نظر گرفتن بسترها و زمینه‌های موجود در جامعه و مطالعه نیازها، کمبودها، خواسته‌ها و الزامات جامعه برای نیل به تجددگرایی توانست به طور نسبی هر سه نیاز معماری این دوره را که شامل مدرنیته، سنت و ملی‌گرایی بود، تأمین و تأثیر بسزایی بر هویت ملی و انتقال سنت به



مدرنیته در معماری دوره پهلوی اول داشته باشد. تلفیقی از معماری نئوکلاسیک اروپایی و عناصر سنتی معماری اسلامی ایرانی، ترکیبی از عناصر بارز معماری مدرن و معماری ایران در پیش از اسلام و کنار هم قرار دادن مصالح امروزی و مصالح سنتی معماری ایرانی، استفاده مشترک از تزئینات اروپایی و ایرانی و نیز ترکیب کاربری‌ها و روابط فضایی سنتی و امروزی در فضاهای داخلی از جمله ویژگی‌های اصلی معماری نیکلای مارکوف است.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۵): *سنت، مدرنیته، پست‌مدرن: گفت‌وگوی اکبر گنجی با داریوش آشوری*، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی صراط.
- احمدی، بابک (۱۳۸۰): *معماری مدرنیته*، تهران: نشر مرکز.
- ----- (۱۳۸۵): *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، تهران: نشر مرکز.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۸۲): *معماری معاصر ایران*، تهران: نشر هنر معماری.
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۹۴): *تجدد، فراتجد و پس از آن در شهرسازی*، تهران: دانشگاه تهران.
- جهاننگلو، رامین (۱۳۸۲): *موج چهارم*، تهران: نی.
- حجت، عیسی (۱۳۸۲): «تفکری بر رابطه هویت و معماری»، *مجله هنرهای زیبا*، ش ۲۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دولتی، حسن و ضامنی، فرشیده (۱۳۹۵): «تبیین رابطه هویت ملی و پاسخگویی به تهاجم فرهنگی دشمن»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۶۸.
- صارمی، علی‌اکبر (۱۳۷۴): *مدرنیته و تأثیر آن بر طراحی معماری و شهرسازی ایران*، تهران: گفتگو.
- صفامنش، کامران (۱۳۹۰): *دبیرستان البرز*، تهران: انتشارات سازمان زیباسازی شهرداری تهران.
- فلامکی، محمدمنصور (۱۳۷۱): *شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب*، تهران: نشر فضا.
- ----- (۱۳۸۹): *گستره‌های معماری*، تهران: نشر فضا.
- ----- (۱۳۹۱): *اصل‌ها و خوانش معماری ایرانی*، تهران: نشر فضا.
- محمدی، حمداله (۱۳۹۴): «تأملی بر چالش‌های مبتنی بر هویت ایرانی - اسلامی در مواجهه با فرهنگ مصرف‌گرا و نولیبرالیسم»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۶۱.
- مقصودی، مجتبی و حاجی‌پور، سیمین (۱۳۹۵): «تحلیل توسعه سیاسی در ایران از منظر الگوی هویتی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۶۸.
- همایون کاتوزیان، م. (۱۳۸۵): *اقتصاد سیاسی ایران*، تهران: نشر مرکز.
- هوانسیان، وارطان (۱۳۵۱): «معماری ایران: سبک جدید و ملی»، *مجله هنر و معماری*، ش ۱.
- Giddens, A, (2001); *The Released World: The Speech on the Coalition of the World*, Translated by: Saeedi, A, Hajiabdollah, Y, Elmoadab Publication, Tehran.
- <http://www.arel.ir/fa/News-View-274.html>